

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شباهنگ راد

۲۰ جون ۲۰۱۳

## انتظارات و توقعات بعد از "انتخابات"!

غائله انتخابات ریاست جمهوری در ایران به پایان رسید و از درون کاندیداتورهای وابسته، و وفادار به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی، نام حسن روحانی به بیرون آمد. حدس و گمان‌های متفاوتی پیرامون بازی‌های سیاسی درون نظام وجود دارد، مبنی بر این‌که آیا اوضاع سیاسی – اقتصادی جامعه مان و متعاقباً زندگی میلیون‌ها انسان محروم، همزمان با تغییر آرایش دولتی، تغییر خواهد یافت؟ آیا بگیر و ببندها و زندان و شکنجه مخالفان و معترضان و همچنین ناملايمات سیاسی در درون جامعه رخت بر خواهد بست و مردم بیش از این، شاهد فشارهای گوناگون از جانب ارگان‌های رنگارنگ نظام نخواهند بود؟ آیا زنان به بدیهی‌ترین خواست خود، یعنی به انتخاب پوشش دست خواهند یافت؟ آیا روند و مسیر رو به افزون فاصله‌های طبقاتی عوض و همچنین منابع طبیعی، از آن محروم‌ترین اقشار جامعه خواهد شد؟ آیا می‌توان به چنین نمایشات سیاسی و بی‌محتوا، نام انتخاباتی گذاشت و بر این موضوع تأکید داشت که مردم به حقوق حقه خویش، یعنی در تصمیم‌گیری و در سرنوشت سیاسی‌شان دست یافته‌اند؟ و مهمتر از همه این‌ها، دلیل اعلان رأی به نفع حسن روحانی به اصطلاح معتدل و میانه‌رو، و آن‌هم در مرحله اول چه بوده است و چرا این‌بار، نظام به چنین خواستی تن در داده است؟ و ..

چنان‌چه بخواهیم از توضیح ماهیت انتخابات – و در حقیقت انتصابات در ایران –، و همچنین از باورهای ناصحیح بعضاً جامعه و نیروهای به اصطلاح مدافع مردمی، - پیرامون انتخابات - بگذریم، تأکید و تکرار بر یک‌موضوع بی‌مناسبت نمی‌باشد، و آن این است‌که، در زیر سلطه چنین عناصر و نظامی، سخن گفتن از انتخابات آزاد و رفرم، پوچ و بی‌معناست؛ چرا که نظام‌هایی از نوع رژیم جمهوری اسلامی، فاقد پائین‌ترین پتانسیل لازمه به نفع جوامع انسانی‌اند. دلیل آن واضح است؛ حیات و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی با چپاول ثانیه‌ای و با سرکوب جنبش‌های اعتراضی – مردمی گره خورده است. با این اوصاف ناصحیح‌ست که بخواهیم کاندیداتورها و منتخبین ارگان‌های متفاوت رژیم را خارج از خواسته‌ها و منافع سرمایه‌داران بین‌المللی توضیح دهیم و این‌گونه تبلیغ نمائیم که تفاوتی مابین عناصر وابسته به نظام جمهوری اسلامی‌ست؛ عناصری که یقیناً بدون سابقه "درخشان" و بدون خدمت‌گذاری به طبقه حاکمه، قادر به طی مدارج بالای حکومتی – دولتی نبوده و نمی‌باشند. به عبارتی حقیقی‌تر انتخابات در ایران، انتخابات بالائی‌هاست و در این‌میان توده‌های محروم، وظیفه‌شان گرم نگاهداشتن تنور انتصابات رژیم و همچنین به حرکت در آوردن بهتر، دم و دستگاه‌های تولید سرمایه می‌باشد. تجربه تکنونی و به تبع آن تجارب دولتی‌ها هم‌چون دولت "اصلاح‌طلب" حکومتی، به نوبه خود، مانع هرگونه لغزش‌ها و خطاهای سیاسی‌ست و همچنین مردم در عمل پی برده‌اند که دولت‌های گذشته، علی‌رغم رنگ‌ها و بوهای متفاوت، و علی‌رغم ادعاهای کرکننده‌شان نه تنها کوچکترین گامی در جهت بهبودی

اوضاع و معیشت‌شان بر نداشته‌اند، بلکه بر زندگی نابسامان‌شان هم افزوده‌اند. حسن روحانی منتحب نظام جمهوری اسلامی هم، به‌منظور چنین مقصود و خواستی به‌میدان آمده است و هدفش، کنترل و مهار مخالفت‌ها و خیزش‌های مردمی و همچنین رفع تنش‌های بین‌المللی به نفع نظام و جناح‌های خودی‌ست.

از منظری دیگر دشمن می‌داند که در هر دوره‌ای نمی‌توان در مقابل خواست و اراده مردمی، سیاست خشن را در پیش گرفت؛ می‌داند که همواره نمی‌توان از اثرگذاری اعتراضات مردمی خاورمیانه بر روی جنبش‌های اعتراضی ایران بی‌تفاوت بود و همواره از سیاست ایستادگی علنی و خون‌بار پیروی نمود. به همین دلیل می‌کوشد تا بسته به موقعیت جامعه، و بسته به روحیه و توان مبارزاتی و مخالفت‌های مردمی، و همچنین بسته به موقعیت نیروها و جناح‌های رقیب درون حکومتی، بهترین گزینه‌ها را انتخاب نماید، تا از یک‌طرف، آرامش دلخواه جامعه در هم نریزد، و از طرف‌دیگر امنیت درازمدت‌تر سرمایه بر قرار گردد. در حقیقت اعلان نام حسن روحانی و آن‌هم به‌عنوان رئیس جمهور چهار سال آتی نظام را می‌باید در چنین بستری توضیح داد.

مسلم است که کمترین توهمی نسبت به دولت "تدبیر و امید"، و نسبت به ماهیت رئیس جمهور آتی نظام سراسر چپاول و سرکوبگر نیست. اساساً مجریان قانون اساسی، با هر رنگ و پرچمی، و با هر شکل و شمایل، کاری به روان شدن زندگی مردم، و کاری به شکستن فضای بسته سیاسی - اجتماعی جامعه نداشته و نخواهند داشت. همچنین کمترین توهمی نیست که منظور "دولت تدبیر و امید" روحانی، از آزادی زندانیان سیاسی، کسانی جز وفاداران به نظام جمهوری اسلامی همچون موسوی، کروبی و امثالهم نبوده و نمی‌باشد. بخش‌هایی از وفاداران و جناح‌های رژیم، روحانی را به جلو هل داده‌اند تا از ضربات آتی مردم به نظام جمهوری اسلامی و همچنین از کنار زدن‌شان از غارت اموال عمومی مملکت ممانعت به‌عمل آورد. اگر چه اعلان نام حسن روحانی به‌عنوان رئیس جمهور آتی، نشان از آن دارد که اوضاع داخلی و بیرونی رژیم جمهوری اسلامی بسیار پاشیده و در هم ریخته است؛ پاشیدگی و در هم ریخته‌گی که می‌توان تجلی آن را در کشاکش درون نظام و همچنین در یقه درانی‌های جناح‌های متفاوت حکومتی - دولتی و وفاداران به نظام، به‌عینه مشاهده نمود؛ درگیری‌ها و شاخ و شانه کشیدن‌هایی که منجر به دستگیری، زندانی، حذف و حصر خانگی جناح‌های رقیب شده است و همچنین کار به جایی کشیده شده است که یکی بنیان‌گذاران و یاران صدیق و بی‌چون و چرای نظام، یعنی رفسنجانی قادر به عبور از فیلتر شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری سال نود و دو، نمی‌شود!

آری، یکی از مهره‌های کلیدی و محبوب نظام، توسط جناح مخالف به کنار گذاشته می‌شود؛ مهره‌ای که در تعلق، و در وابستگی‌اش به نظام جمهوری اسلامی و همچنین در دشمنی طبقاتی‌اش با مردم، شک و تردیدی نیست. در بستر چنین شرایطی‌ست که اولتیماتوم‌ها در درون نظام بالا می‌گیرد و جناح "مغلوب" دندان‌هایش را تیز می‌نماید و بر آن می‌شود تا در مقابل یکه‌تازی‌های بیت رهبری، سپاه پاسداران، بسیج و غیره - که به زعمش بر تمامی شئون اقتصاد - سیاسی جامعه ایران چنگ انداخته‌اند -، به مقابله بر خیزد. نام روحانی در چنین موقعیتی از درون صندوق‌ها به بیرون می‌آید و در نتیجه به‌عنوان "پیروز" انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری" اعلام می‌گردد.

البته ناگفته نماند که علل بروز تنش‌های درون حکومتی، ریشه در نارضایتی، و ریشه در مخالفت‌های گسترده میلیونی کارگران و زحمت‌کشان، زنان و جوانان دارد. به عبارتی واقعی‌تر جامعه ایران به‌مانند ده‌ها جامعه تحت سلطه به تار مویی بند است. سران حکومت جان میلیون‌ها انسان محروم را به لب‌شان رسانده‌اند. کار، برای جوانان نیست و ابعاد ناهنجاری‌های اجتماعی قابل توضیح و توصیف نیست. کنترل آمار و ارقام‌های فقر و نداری، با سرعت هر چه بیش‌تری در حرکت است و وخیم شدن زندگی مردم دقیقه‌ای‌ست. مردم هر لحظه به دنبال ابراز نارضایتی تا سر حد مقابله رو در رو، با حکومت‌مداران‌اند. روحانی آمد تا جنبش‌های اعتراضی را از مسیر اصلی‌اش باز دارد؛ آمد تا مانع غرق شدن

کشتی صدمه دیده رژیم جمهوری اسلامی در دریای طوفان زده و خشکمین توده‌ای گردد؛ همان‌گونه که موسوی برای حفظ نظام و برای پایداری به ارزش‌های دهه شصت رژیم جمهوری اسلامی به میدان آمده بود!

در حقیقت هدف نظام، کنترل و خاموشی اعتراضات توده‌ئی‌ست. بی دلیل هم نیست که می‌کوشد از درون خودی‌ها و از میان بد و بدتر، بد را به‌عنوان مطلوب‌ترین عنصر و جناح، به جامعه و به مردم معرفی نماید. تجارب بسیار فراوانی در دنیا و به ویژه در ایران موجود می‌باشد که چگونه، نظام در حساس‌ترین شرایط، و در دورانی که بُعد مخالفت‌های توده‌ئی علیه کلیت نظام بالا می‌گیرد، عناصر و ناجیانی را به‌عنوان مدافعان حقوق شهروندی و جامعه، به میدان می‌فرستد تا مبادا چرخه‌های سرمایه، در دست‌اندازهای اعتراضات خیابانی و انقلاب گیر کند. سیاست‌های هشت ساله خاتمی "اصلاح‌طلب"، نمونه گویائی از واقعیات نظام جمهوری اسلامی‌ست. عنصری که نه تنها در زمان تصدی و حکومت‌داری‌اش کوچک‌ترین گامی در جهت بهبودی زندگانی میلیون‌ها انسان محروم بر نداشته است، بلکه بر میزان ناهنجاری‌ها، و بر محدودیت‌های جوانان، زنان و بر گستردگی فقر و کودکان کار افزوده است. با این اوصاف و در چهارچوبه چنین تجارب تلخ و واقعیاتی، انتظار و توقعی خلاف آنچه تاکنون کارگران و زحمت‌کشان از کارکردهای دولت‌های گذشته نظام شاهد بوده‌اند، نیست و بدون کمترین تردیدی، حسن روحانی هم، پای در جای پای دیگر سردمداران و دولت‌مردان نظام خواهد گذاشت.

به این دلیل که در چنین سیستمی، نه عناصر تعیین‌کننده‌اند و نه نظام مردم را در تعیین سرنوشت زندگی‌شان به حساب خواهد آورد. آنچه تعیین‌کننده و ملاک جوامعی از نوع جامعه ایران می‌باشد، دوام منافع و حاکمیت طبقه سرمایه‌داری‌ست؛ بر همین اساس مطمئناً توده‌های ستمدیده در دوران چهار ساله ریاست جمهوری حسن روحانی، نه شاهد تغییر سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی در قبال به یغما بردن اموال عمومی جامعه از جانب استثماری‌گران و زورگویان خواهند بود، و نه شاهد آزادی‌های به اسارت گرفته شده توسط وفاداران به نظام جمهوری اسلامی.

در حقیقت تاریخ انتخابات در جوامعی همچون جامعه وابسته ایران این‌گونه نوشته شده است و بر همین اساس پوچ و فاقد ارزش می‌باشد، و به‌همین اعتبار، جنگ و جدال خودی‌های نظام هم، چیزی جز کنار زدن جناح‌های رقیب از ارگان‌های دولتی به‌منظور چپاول هر چه بیش‌تر اموال عمومی، چیزی جز بهتر گرداندن دم و دستگاه‌های اقتصادی - سیاسی طبقه حاکمه، و چیزی جز کنترل بهتر جنبش‌های اعتراضی نیست. بنابراین "دولت تدبیر و امید" حسن روحانی هم، بنابه روال و به سیاق دولت‌های گذشته - همچون "دولت سازندگی"، "دولت اصلاحات"، "دولت مبارزه با مفسدان اقتصادی" -، به پیش خواهد رفت و کمترین اعتنائی به خواسته‌های ابتدائی کارگران و زحمت‌کشان، جوانان و زنان نخواهد کرد؛ دولتی که به‌مانند مابقی دولت‌ها، وظیفه‌اش هدایت و تأمین منافع سرمایه‌های بین‌المللی و همچنین تعرض به دست‌رنج باقی‌مانده توده‌های کم درآمد و پائین است. حسن روحانی در آینده نزدیک و در چهارچوبه وظایف تاکنونی‌اش، ریاست چهار سال آتی قوه مجریه را به دست خواهد گرفت تا به قول خویش، تنش‌های بین‌المللی و تپه و چاله‌های دست‌ساز دولت گذشته نظام را ترمیم و بازسازی نماید. مازاد بر همه این‌ها، جناح رقیب هم در شرایطی تن به خواسته جناح مقابل داد تا مبادا خشم فرو خفته میلیون‌ها انسان، به‌مانند سال هشتاد و هشت، بالا آید. بی دلیل نبود که عجلانه و زود هنگام، بر غائله انتخابات ریاست جمهوری خاتمه بخشید؛ انتخاباتی که حدوداً یک سوم از واجدین شرایط، به پای صندوق‌های کذائی رژیم جمهوری اسلامی نرفتند و سیاست تحریم را در پیش گرفتند.

۱۹ جون ۲۰۱۳

۲۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۲